کارشناس‌ها پاسخ می‌دهند؛ در شرایط پساسد چه کنیم؟

گزینه‌های ایران در سرزمین شام

زهرا طیبی- علی ملکی
گروه نقد روز

صبح یکشنبه با خبر خروج بشار اسد از دمشق شروع شد و عصر همان روز هم جولانی وارد دمشق شد. دولت بشار رسما سقوط کرد تا اتفاقی که در ۱۳ سال رخ نداده بود در فرایندی ۱۰ روزه محقق شود. فارغ از این موضوع که دلایل این اتفاق عجیب چیست باید واقعیت موجود را به عنوان آینده سوریه بپذیرفت و برای مواجهه ایران به عنوان متحد بشار اسد با حکومت ضد اسدی آینده سوریه طراحی داشت. شرایط فعلی این کشور خوش‌ناپایدار است و این وضعیت هم فرصت‌ها و هم تهدیدهایی برای ایران به همراه دارد. برخی از این تهدیدات ناشی از نشش‌ها با معارضین سوری و نگرانی از ورود جدید یک سیستم جدید سیاسی است که ممکن است با ایران دشمنی داشته باشد. برای بررسی نوع مواجهه ایران با سوریه جدید با ۵ کارشناس حوزه بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم. ساسان کریمی، دیاکو حسینی، علیرضا مجیدی، محمد خواجویی و علیرضا کمیلی ۵ چهره‌ای هستند که به سراغ آنها رفته‌ایم. آنچه این چهره‌ها بر آن تاکید دارند اهمیت تعامل ایران با هر دولتی است که در سوریه قدرت را در دست گیرد و سیاست‌های ایران باید با توجه به تغییرات در معادلات داخلی و خارجی سوریه به‌روز و انعطاف‌پذیر باشد. در این راستا، یکی از نکات کلیدی که مطرح شد، لزوم جلوگیری از عادی‌سازی روابط سوریه با اسرائیل بود که می‌تواند تهدیدی برای سیاست‌های منطقه‌ای ایران و محور مقاومت باشد. در ادامه مشروح این گفت‌وگوها را از نظر می‌گذرانید.

علیرضا مجیدی: واقع‌گرایی حکم می‌کند ایران با هر دولتی که در سوریه حاکم شد تعامل برقرار کند

علیرضا مجیدی در پاسخ به این سوال که «ایران با سوریه پس از اسد چگونه رفتار کند؟» اشاره کرد ایران باید با کشور سوریه به‌عنوان یک کشور مستقل تعامل داشته باشد، نه با شخص خاص. به گفته وی، واقع‌گرایی حکم می‌کند ایران با هر دولتی که در سوریه قدرت را در دست بگیرد، نوعی تعامل برقرار کند. ۲ مجیدی تاکید کرد: «این تعامل باید در راستای منافع و اهداف کلان ایران تعریف شود.» وی ادامه داد: «سوریه کشوری است که پس از مصر و عراق، از نظر تمدنی و تاریخی، بالاترین وزن را در جهان عرب دارد. کمتر عربی را می‌توان یافت که نسبت به سوریه کاملا بی‌تفاوت باشد؛ چراکه جایگاه این کشور در فرهنگ و فکر عربی بسیار برجسته است. اگرچه کشور سوریه به‌طور رسمی در سال ۱۹۲۰ تاسیس شد اما شهرهایی که امروز بخشی از آن به شمار می‌روند، مانند دمشق و حلب، از گذشته‌های دور جایگاهی فوق‌العاده در تاریخ عربی و اسلامی منطقه داشته‌اند.» به گفته مجیدی، طبیعی است که سوریه از نفوذ معنوی و اثرگذاری فرهنگی بالایی برخوردار باشد.

ایران باید مانع از حرکت سوریه به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل شود

مجیدی در ادامه به اهمیت جغرافیای سوریه اشاره کرد و گفت: «از نظر جغرافیایی، سوریه اهمیت بی‌بدیلی دارد. این کشور تنها مسیری است که ایران می‌تواند از طریق آن به دریای مدیترانه دسترسی پیدا کند. بنابراین تعامل با سوریه از منظر جغرافیایی برای ایران حیاتی است.» ۲ وی همچنین به افکار عمومی در سوریه می‌تواند ظرفیت مناسبی برای سیاست‌های ایران باشد. ۲ مجیدی ادامه داد: «به‌طور کلی، چه از نظر جایگاه سوریه در جهان عرب، چه از منظر جغرافیایی و چه از لحاظ معادلات نظامی و امنیتی منطقه، ایران نمی‌تواند سوریه را نادیده بگیرد؛ خواه حاکمش بشار اسد باشد یا شخص دیگری.»

وضعیت ناپایدار فعلی در سوریه برای ایران هم تهدید است هم فرصت

علیرضا مجیدی در ادامه به این نکته اشاره کرد که هنوز در سوریه یک نظام جدید و مستقر شکل نگرفته و خیلی زود است که بتوان درباره آینده این کشور و جهت‌گیری دولت آینده صحبت کرد. به گفته وی، این وضعیت ناپایدار هم فرصت‌هایی برای ایران ایجاد می‌کند و هم تهدیدهایی به همراه دارد. مجیدی ادامه داد: «از یکسو، این شرایط انعطاف‌پذیری و سیالیتی ایجاد می‌کند که می‌توان از آن بهره برد؛ زیرا هیچ چیزی هنوز مستقر و تثبیت نشده است. از سوی دیگر، بخشی از معارضین سوریه کینه‌های عمیقی نسبت به ایران دارند. ایران باید تلاش کند بخشی از این کینه‌ها را ترمیم کند.» وی همچنین بیان کرد: «بخشی از معارضین سوریه به جایگاه و نوین ایران در معادلات منطقه واقفند و نمی‌خواهند دشمنی آنکاری با ایران داشته باشند.» او این مسئله را مشابه رویکرد برخی کشورهای منطقه مانند عراق و لبنان دانست که تمایلی به دشمنی با ایران ندارند. مجیدی درنهایت تاکید کرد: «سیاست ایران در سوریه باید منعطف و مبتنی بر شرایط جدید باشد تا بتواند تهدیدات را مهار کند و از فرصت‌ها بهره‌برداری لازم را انجام دهد.»

تردد ایران به سمت لبنان و اصنیت شیعیان سوری با طرف مقابل قابل مذاکره است

مجیدی این سوال را که «برای ایران چه گزینه‌هایی برای رفتار با سوریه وجود دارد؟ آیا به سمت تعامل و گفت‌وگو پیش می‌رود؟» به‌طور کلی، چه از نظر جایگاه سوریه در جهان عرب، چه از منظر جغرافیایی و چه از لحاظ معادلات نظامی و امنیتی منطقه، ایران نمی‌تواند سوریه را نادیده بگیرد؛ خواه حاکمش بشار اسد باشد یا شخص دیگری.»

مسیرهای حرکت ایران به سمت لبنان قطع نمی‌شود، تضعیف می‌شود

علیرضا مجیدی در تشریح این موضوع که نسبت سوریه با محور مقاومت در این فضا چه تغییری می‌کند توضیح داد: «طبیعتا نسبت سوریه با محور مقاومت تضعیف خواهد شد. او توضیح داد یکی از ابعاد حمایت خارجی که گروه‌های مختلف در سوریه به‌دست آورده‌اند، همین تغییر معادله بوده است. مجیدی در ادامه گفت مرزهای سوریه و لبنان عمدتا منطقه‌ای کوهستانی هستند، به‌طوری‌که تقریبا ۹۵ درصد این مرزها کوهستانی است و بقیه آن نیز دامنه کوه‌هاست. بنابراین به گفته وی، کنترل کامل این مرزها برای هیچ‌کس ممکن نیست، نه در سوریه و نه در لبنان. ۲ این کارشناس بین‌الملل افزود: «وضعیت مانند گذشته نخواهد بود. در دوره بشار اسد، ایران به‌طور رسمی مسیرهای قانونی داشت و مقاومت نیز از این مسیرهای قانونی استفاده می‌کرد. در آن زمان هیچ نیازی به دور زدن مسیرها یا استفاده از مسیرهای قاچاق نبود و همه چیز به‌طور رسمی و راحت‌تر انجام می‌شد. اما اکنون این مسیرها محدود شده‌اند.» ۲ مجیدی تاکید کرد: «این مسیرها قطع نمی‌شوند، بلکه تضعیف خواهند شد.»

دومین نکته‌ای که مجیدی به آن اشاره کرد، دغدغه ایران از این است که سوریه جدید به سمت تطبیق و عادی‌سازی روابط با اسرائیل نرود. او بیان کرد: «۲ در این زمینه ایران هنوز فرصت زیادی برای فعالیت دارد. مجیدی افزود اگر سوریه به سمت عادی‌سازی نرود، فضای تعاملی برای ایران باز خواهد ماند و ایران می‌تواند از این فضای تعاملی بهره‌برداری کند.»

سومین نکته‌ای که مجیدی مطرح کرد، این بود که با توجه به مختصات جدید منطقه، ایران باید رویکردها و سیاست‌های خود را آپدیت کرده و متناسب با شرایط جدید بازسازی کند. او در این زمینه از چالشی که ایران در پیش دارد سخن گفت و اظهار کرد: «تصور می‌کند ایران باید به سمت افزایش تعامل با قطر و ترکیه حرکت کند. این اقدام می‌تواند زمینه تعامل بیشتر ایران را با سوریه فراهم کند. مجیدی درنهایت تاکید کرد که محور مقاومت هنوز تمام نشده است. او یادآوری کرد اگر بشار اسد سقوط کند، این تنها اولین گام خواهد بود و مشکلات زیادی برای فاتحین به‌وجود خواهد آمد که باید مسائل حل کنند تا یک نظام مستقر شکل بگیرد.»

ساسان کریمی: روابط ایران با بشار به معنی قطع روابط با حاکمیت جدید نیست

ساسان کریمی در ابتدا توضیح داد که روابط ایران با سوریه در دوره پس از اسد بهشدت به شرایط داخلی این کشور وابسته است. او گفت: «مسئله اصلی این است که آیا شام و گروه تحت رهبری آقای جولانی می‌توانند امنیت و ثبات را در سوریه برقرار کنند، یا اینکه این کشور وارد نزاع‌های طولانی‌مدت بین گروه‌ها و جریان‌های مختلف خواهد شد. این دو سناریو کاملاً متفاوتند.» کریمی با تأکید بر اینکه ایران در صورت برقراری امنیت و ثبات توسط حاکمیت جدید سوریه، مطابق قوانین بین‌المللی رفتار خواهد کرد، افزود: «جمهوری اسلامی ایران مانند هر کشور دیگری با حکومت مسلط بر یک محدوده سرزمینی مطابق موازین حقوقی رفتار می‌کند. به این معنا که نزدیکی بشار اسد به ایران، لزوماً به معنای قطع روابط ایران با حاکمیت جدید نخواهد بود.»

روابط با حاکمیت جدید سوریه مشابه روابط ایران با طالبان است

کریمی خاطرنشان کرد بسیاری از حکومت‌هایی که توسط ایران یا دیگر کشورها نشاسایی می‌شوند، الزاماً مطلوب نیستند اما مورد پذیرش قرار می‌گیرند. او افزود: «اگر در سوریه امنیت برقرار شود و حاکمیت جدید رفتارهای حقوقی و انسانی مناسبی از خود نشان دهد ایران نیز مانند سایر کشورهای نرمال جهان، رفتار مشابهی خواهد داشت. این موضوع مستقل از این است که تغییر حاکمیت در سوریه مورد نظر یا مطلوب ایران بوده باشد یا خیر.» کریمی همچنین به این موضوع اشاره کرد رفتار ایران با حاکمیت جدید در سوریه ممکن است به روابطش با طالبان در افغانستان شباهت داشته باشد. او گفت: «ممکن است این رفتار شبیه به تعاملات ایران با طالبان باشد، اما در عین حال مقاوت نیز باشد. اگر حاکمیت جدید در سوریه عملکرد بهتری نسبت به طالبان داشته باشد، ممکن است ایران نیز رویکرد متناسب‌تر و حتی مثبت‌تری اتخاذ کند.» با توجه به تحولات اخیر در سوریه، ردپای پررنگ اسرائیل در این وقایع توجهات را به خود جلب کرده است. یکی از اهداف اسرائیل می‌تواند تلاش برای کوتاه کردن دست ایران و تضعیف موقعیت آن در سوریه باشد. در این راستا ساسان کریمی، کارشناس بین‌الملل به بررسی ابعادی پرداخت که ایران به نفوذ و قدرتی که در زمان بشار اسد داشت یا حرکت شرایط به سمت تضعیف ایران در منطقه پرداخت. کریمی با رد گزاره‌های مطلقی مانند امکان بازگشت به شرایط گذشته یا تضعیف موقعیت ایران، اظهار داشت: «نه قائل به تکرار همان شرایط گذشته هستم و نه قائل به تضعیف موقعیت ایران. شرایط سیاسی سوریه تغییر کرده و متاسبات ایران با حاکمیت جدید این کشور باید مجدداً طراحی شود. این به معنای تکرار الگوهای قبلی یا الزاماً تضعیف موقعیت ایران نیست.»

تحریر الشام بیشتر به ترکیه نزدیک است تا اسرائیل

وی با اشاره به نقش اسرائیل در این تحولات افزود: «اسرائیل به‌عنوان یک رژیم‌صهیونیستی و کنشگر منطقه‌ای همواره سیاست‌های خصمانه خود را از طریق شرایط مختلف پیش می‌برد. اما واقعیت این است که گروه شام که اکنون نقش کلیدی در تحولات دارد بیشتر به ترکیه نزدیک است تا اسرائیل. آنچه اسرائیل انجام می‌دهد بهره‌برداری از شرایط پیش‌آمده است، نه طراحی این شرایط.» کریمی تأکید کرد ایران باید در این شرایط واکنش ایجابی داشته باشد تا مانع از تبدیل ایران به یک کنشگر مؤثر در فضای سوریه شود. او در این‌باره توضیح داد: «این امر برای حفظ محور مقاومت و ایجاد توازن منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران باید شرایط جدید را با دقت مدیریت کند و اقداماتی انجام دهد که تغییرات به ضرر منطقه شکل نگیرد.»

باید یک طراحی دیپلماسی پیشرفته متناسب با واقعیت جدید داشته باشیم

به اعتقاد کریمی، ایران نباید به دنبال تکرار الگوهای پیشین یا کنار گذاشتن حمایت از متحدان خود باشد. او توضیح داد: «تکرار الگوهای پیشین یا چشم‌پوشی کامل از حمایت متحدان هر دو راه حل‌هایی ساده‌انگارانه‌اند. دستگاه دیپلماسی ایران باید یک طراحی دیپلماتیک پیشرفته و چندلایه ارائه دهد که متناسب با واقعیت‌های جدید باشد. این طراحی باید در سطوح مختلف مدیریتی و تصمیم‌گیری اجرا شود.» کریمی در پایان با اشاره به اینکه ایران احتمالاً با صبر و تأمل، تحولات داخلی سوریه و رویکرد حاکمیت احتمالی جدید را ارزیابی خواهد کرد، افزود: «پس از مشخص شدن شرایط ورفتار حاکمیت جدید، ایران موضع و سیاست خود را اعلام و پیاده خواهد کرد. در این مرحله نیاز به طراحی هوشمندانه و تطبیق‌پذیر برای حفظ منافع ایران و محور مقاومت در سوریه کاملاً احساس می‌شود.»

علیرضا کمیلی: راهی جز برقراری ارتباط با سوریه نداریم

درک تعریف درستی از واقعیت، یکی از مهمترین بخش‌های فهم مسئله است. علیرضا کمیلی معتقد است برای اینکه درک بهتری از وضعیت سوریه ارائه دهیم لازم است شرایط امروز این کشور را به نوعی ارائه دهیم تا مخاطب بتواند مسائل را بهتر درک کند. او در این باره توضیح داد: «وقتی مخاطب می‌گوید این همه تکثیری و خصوبیت هست و ما این‌طور شنیده‌ایم، باید توضیح دهیم که چنین برداشت‌هایی ازنوعاً دقیق نیستند. مشکل این است که رسانه‌های ما، به دلایل مختلف و تابع سیاست‌هایی خاص، اظهاراتی کردهاند که همیشه منطبق با واقعیت نبوده‌اند. نشانه‌های این تناقض هم آشکار شد؛ مثلاً وقتی این گروه‌ها حلب و نبل الزهراء را تصرف کردند، یا حتی دمشق را گرفتند، چرا شعه‌کشی به راه نینداختند؟ چرا سر نبریدند؟ چرا حرم‌ها را تخریب نکردند؟» این مسائل نشان می‌دهد که برخی ادعاها تناقض‌هایی داشتند. ما هم وقتی مواضعی متفاوت مطرح کردیم، مورد حمله قرار گرفتیم و گفتند شما دارید جریان‌های تکفیری و تروریستی را تطهیر می‌کنید. بنابراین، از همان ابتدا باید تعریف درستی ارائه دهیم و سپس به این بپردازیم که حالا چه کاری می‌توان انجام داد. حتی خودشان در مصاحبه با سی‌ان‌ان گفته‌اند که ما با ایران رابطه راهبردی برقرار خواهیم کرد و به این موضوع تمایل داریم.» این مسئله نشان می‌دهد که ما هم راهی جز برقراری ارتباط با سوریه نداریم. سوریه کشور مهمی در منطقه ماست و باید روابطمان با آن‌ها حفظ شود. البته، دلخوری‌هایی از گذشته وجود دارد؛ آن‌ها معارض به سوریه بودند و ما در کنار دولت سوریه قرار داشتیم. این به این معنا نیست که ترمیم این روابط به‌راحتی ممکن است، اما همین که در مذاکراتی که تاکنون انجام شده -و بدون شک فشارهای ایران نیز موثر بوده است- بحث شیعیان، حرم‌ها و تعرض نخواهند کرد، خودش یک گام ورد به جلو است. این مسئله با توجه به بده‌بدهایی که برخی از آن‌ها تندرو، تروریست یا حتی تکفیری هستند و همچنین کینه‌هایی که به دلیل کشتارهای میان نظام اسد و همراهانش با گروه‌هایی که ایران حمایت کرده وجود دارد، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. خون‌هایی ریخته شده و این کینه‌ها ماجرا را دشوارتر کرده است.

باید درباره شیعیان حرم‌ها و حزب‌الله تدبیر شود

همان‌طور که گفته می‌شد و در آخرین بیانیه وزارت خارجه هم بر آن تاکید شد، تعامل ما با کشورها برای برقراری صلح و ثبات بیار جاست. کمیلی هم با بیان اینکه تعامل ما با سوریه منتفی نخواهد شد، افزود: «ما باید به دنبال پیدا کردن راهی برای تامین منافع خودمان و هم‌پیمانان و همفکرانمان در سوریه باشیم. به نظر من، همچنان فرصت‌هایی برای همراهی در منطقه وجود دارد. در این میان، مسئله حزب‌الله و فلسطین برای ما اهمیت زیادی دارد. چیزی که تاکنون مشخص شده، این است که دغدغه‌های فلسطینی‌ها برای این گروه‌ها پررنگ است و این می‌تواند یک نقطه امید باشد. گروه‌های فلسطینی در این بحران سوریه را ترک نکردند و احساس نمی‌کردند که از سوی این گروه‌های مسلح مورد هجمه قرار خواهند گرفت. من هم‌صحبت بگویم که اگر تعریف درستی از واقعیت ارائه دهیم، راه‌حل‌های متنوعی مثل همین تعاملات و استفاده از شخصیت‌ها و گروه‌های همسو وجود دارد؛ از آن‌شاءالله بتوانیم بحث اعتمادسازی به حزب‌الله از طریق سوریه را نیز در آینده مطرح کنیم. یعنی مسئله شیعیان، حرم‌ها و حزب‌الله باید تدبیر شود.»

ایران تجربه همکاری با این گروه‌ها را دارد

کمیلی با اشاره به اینکه نمی‌توان به‌راحتی درباره محور کمک‌های ایران به مقاومت از طریق سوریه صحبت کرد، ادامه داد: «دلیل این موضوع هم به‌وجود بدبنده‌هایی برمی‌گردد که از ایران کینه دارند. آن‌ها ایران را به‌عنوان پشتیبان اسد و نیروهای مسلح و مجاهدینی که در آنجا جنگیده‌اند می‌شناسند. بنابراین، به این سادگی نیست که تصور کنیم مثلاً دو ماه دیگر این کریدور دوباره برقرار خواهد شد. با این حال، ابزارهای چانه‌زنی، فشار و ارتباطاتی که از طریق گروه‌ها و کشورهایی که در منطقه حضور دارند و با این گروه‌ها ارتباط خوبی دارند، وجود دارد. علاوه بر این، ایران نیز در گذشته، در دوره‌هایی مانند تبادل اسرا، با این گروه‌ها ارتباط داشته است، هرچند در آن زمان طرفین در دو سوی مختلف ایستاده بودند. با توجه به این ظرفیت‌ها، امکان این وجود دارد که این مسئله به‌نوعی روی زمین آورده شود. البته روش‌های تحقق این امر معنا است متفاوت باشد، که البته این موضوع بحث ما نیست. اما می‌خواهم بگویم این مسئله صددرصد منتفی نیست، هرچند سخنی‌های خاص خود را دارد.»

فردای دمشق؛ ثبات یا جنگ فراگیر؟

یکی دیگر از مسائلی که درباره تحولات اخیر سوریه وجود دارد، وضعیت این کشور پس از تغییر قدرت است. کمیلی در این باره تصریح کرد: «باید گفت که تثبیت قدرت در سوریه به چه شکل انجام خواهد شد؟ واقعیت این است که کشورهای منطقه ما معمولاً موزاییکی هستند و هویت‌های پراکنده‌ای دارند که مدیریت آن‌ها را بسیار دشوار می‌کند. اگر هم در سوریه توانسته‌اند این شرایط را کنترل کنند، این کار معمولاً با نوعی دیکتاتوری همراه بوده است. حالا اگر این گروه‌های مختلف، اعم از سنی، شیعه و علوی، احساس آزادی بیشتری بکنند، طبعاً مدیریت اوضاع پیچیده‌تر خواهد شد. ظرفیت درگیری سیاسی وجود دارد اما در باره وجود ظرفیت وقوع این درگیری‌های سیاسی و جنگ باید گفت که این دو مسئله، در کنار گفت‌وگویی که این گروه‌ها اعلام کرده‌اند برای داشتن تعامل با یکدیگر حاضر هستند، و همچنین خستگی مردم از جنگ، می‌تواند مجموعاً به این کمک کند که ان‌شاءالله جنگ فراگیری رخ ندهد. البته وقوع جنگ بعید نیست، به‌ویژه با توجه به اینکه خود ما در قبل و تا بحریان‌شام درگیر بوده‌ایم و احتمالاً در آینده نیز درگیر خواهیم بود. حداقل درگیری در آن منطقه وجود دارد.»

ادامه در صفحه ۷

دیاکو حسینی: ایران در مواجهه با سوریه باید از ورود به بازی‌های با حاصل جمع صفر اجتناب کند

باید منتظر باشیم تا فرایندهای سیاسی به مرور شکل گیرد، این موضوعی بود که دیاکو حسینی در مورد رفتار ایران در مورد سوریه مطرح کرد. حسینی معتقد است تغییر شرایط در سوریه منجر به تقابل با ایران نخواهد شد و گفت: «حکومت بشار اسد و پیش از او حکومت پدرش سکولار بودند. با این حال، این حکومت در نهایت خود را در برابر اسرائیل یافت؛ چراکه اسرائیل بلندی‌های جولان و بخشی از سرزمین تاریخی سوریه را اشغال کرده است. همین مسئله موجب شد حکومت سوریه، ایران را به‌عنوان یک متحد پایدار بیابد. به نظرم، این سرنوشت هر رژیم سیاسی سوری دیگری در سوریه نیز خواهد بود. هر حکومتی که با یا هویت سوری عجین باشد، نیز با زود به‌دلیل گسترش طلبی و اشغالگری اسرائیل، در برابر آن خواهد ایستاد و به دنبال متحدانی خواهد گشت که از مقاومت و ضد اشغالگری حمایت کنند. در نتیجه، در افق بلندمدت به نظر نمی‌رسد تغییر حکومت در سوریه منجر به تغییری استراتژیک در روابط با ایران یا به رابطه‌ای دوستانه میان سوریه و اسرائیل بینجامد. به‌ویژه اینکه حکومت احتمالی آینده در سوریه، برخلاف حکومت سکولار اسد، ظاهراً رگه‌هایی از اسلام‌گرایی خواهد داشت. این امر دلیلی مضاعف برای این احتمال است که حکومت آینده سوریه نیز نتواند رابطه نزدیکی با اسرائیل برقرار کند و طبیعتاً در پی دفاع از بنیان‌های هویتی و سرزمینی خود در برابر اسرائیل برآید. در ایران به‌رغم تهدیدات کوتاه‌مدت که ممکن است به‌نظر برسد، در میان‌مدت و بلندمدت بایدِ صبور باشیم که ضمن حفظ حسن‌نیت نسبت به ملت و مردم سوریه، اجازه داد فرایندهای سیاسی در این کشور به شکلی طبیعی و دموکراتیک، بدون مداخله خارجی یا حداقل با کمترین میزان مداخله، پیش برود. تنها در آن زمان می‌توان قضاوت کرد که وضعیت سوریه از نظر ژئوپلیتیک و مواضع منطقه‌ای چه شکل و شمایلی خواهد یافت. در این مرحله، مهم است که موضعی کاملاً متعادل در برابر گروه‌های مخالف در سوریه اتخاذ کنیم و با صبوری بیشتری منتظر شکل‌گیری آرام فرایندهای سیاسی در این کشور باشیم.»

باید منتظر پایدار شدن شرایط بمانیم

شرایط جدید الزامات جدید نیز می‌طلبد، حسینی در مورد اینکه برخورد ایران در مقابل سوریه احتمالاً به چه شکلی خواهد بود، گفت: «در موضوع سوریه، باید ابتدا منتظر شکل‌گیری روند‌های پایدار باشیم و سپس تصمیم بگیریم که چه موضعی در برابر مخالفان اتخاذ کنیم. به نظر من، پذیرفتن این واقعیت بسیار مهم است که دوران اسد و خاندان او به پایان رسیده و به بخشی از تاریخ پیوسته است. بنابراین، حفظ تعصب نسبت به آن دوره و تلاش برای بازگرداندن وضعیت سابق، نه مطلوب است و نه ممکن. ما باید خود را با این واقعیت جدید در سوریه انطباق دهیم و به دنبال منافع خود در میان پیچ‌وخم‌های کنونی باشیم. برخلاف آنچه در نگاه اول ممکن است به نظر برسد، من فکر می‌کنم هنوز فرصت‌هایی وجود دارد که بتوانیم رابطه خوبی با مردم، ملت و حتی حکومت آینده سوریه برقرار کنیم. باید ضمن حفظ مشارکت مثبت و سازنده و کمک به شکل‌گیری حکومتی دموکراتیک در سوریه، باید از موضع‌گیری‌های شتاب‌زده پرهیز کنیم و اجازه دهیم روندها به‌طور طبیعی و آرام پیش بروند تا آینده را روشن سازند.»

رابطه معارضین با اسرائیل امتداد نخواهد داشت

حسینی معتقد است این گروه در آینده به سمت تقابل با اسرائیل خواهد رفت و گفت: «مخالفان سوری، زمانی که در حال نبرد با حکومت اسد بودند، به دنبال شرکا و متحدانی بودند که ممکن بود از ترکیه شروع شود و حتی به آمریکا و اسرائیل هم برسد. اما زمانی که این مخالفان تبدیل به حکومتی مستقر شوند، اوضاع تغییر خواهد کرد. در آن شرایط، دیگر به دنبال متحدانی برای شکست حکومت مرکزی در سوریه نخواهند بود، بلکه تمرکز آن‌ها بر بقا، ثبات و یکپارچگی منافع و جاه‌طلبی‌های معمول یک حکومت مستقر خواهد بود. چه در ابعاد اقتصادی، چه نظامی، امنیتی یا سیاسی. به همین دلیل، به‌رغم وجود شواهدی از همکاری‌های کنونی میان بخشی از مخالفان مسلح سوری با حکومت‌های آمریکا، برخی دولت‌های غربی یا حتی اسرائیل، این روابط لزوماً به آینده امتداد پیدا نخواهد کرد. پس از استقرار حکومت مرکزی و با توجه به اقتضائات ناشی از آن، این روابط ممکن است تغییر کند. این مسئله به آینده موکول است و حتی خود مخالفان مسلح سوری نیز نمی‌توانند تشخیص دهند که در آینده، مثلاً در پنج سال آینده، چه نوع رابطه‌ای با کشورهای پیرامون خواهند داشت. هر حکومتی که بخواهد در سراسر سوریه حکومت کرده و هویت سوری را حفظ کند، ناگزیر با این واقعیت مواجه خواهد شد که بخشی از سرزمین مهم سوریه، یعنی بلندی‌های جولان، در اشغال اسرائیل است و اسرائیلی‌ها نیز قصد پس دادن این قطعه زمین را ندارند. بنابراین، این حکومت‌ها در پیا زود با تعارض هویتی روبه‌رو خواهند شد، زیرا هر حکومتی که نماینده بسیار مهم است که دوران اسد و خاندان او به پایان رسیده و به بخشی از تاریخ پیوسته است. بنابراین، حفظ تعصب نسبت به آن دوره و تلاش برای بازگرداندن وضعیت سابق، نه مطلوب است و نه ممکن. ما باید خود را با این واقعیت جدید در سوریه انطباق دهیم و به دنبال منافع خود در میان پیچ‌وخم‌های کنونی باشیم. برخلاف آنچه در نگاه اول ممکن است به نظر برسد، من فکر می‌کنم هنوز فرصت‌هایی وجود دارد که بتوانیم رابطه خوبی با مردم، ملت و حتی حکومت آینده سوریه برقرار کنیم. باید ضمن حفظ مشارکت مثبت و سازنده و کمک به شکل‌گیری حکومتی دموکراتیک در سوریه، باید از موضع‌گیری‌های شتاب‌زده پرهیز کنیم و اجازه دهیم روندها به‌طور طبیعی و آرام پیش بروند تا آینده را روشن سازند.»

حکومت آینده سوریه به دست تکفیری‌ها نخواهد افتاد

سوریه افغانستان نیست؛ موضوعی که حسینی به آن اشاره کرد و در مورد سناریوهای ایران در مواجهه با سوریه بعد از بشار اسد، گفت: «مقایسه سوریه با طالبان افغانستان چندان مناسب نیست؛ هرچند هردو گرایش‌های اسلام‌گرایانه دارند، اما طالبان یک هویت بومی با ریشه‌های عمیق در افغانستان، به‌ویژه در جامعه پشتون دارد و مختصات فرهنگی و تاریخی خاص خود را داراست. بنابراین، آنچه درباره طالبان می‌بینیم، الزاماً نمی‌تواند در جای دیگری کپی شود. با این حال، واقعیت این است که بخشی از گروه‌های مخالف مسلح سوری دارای گرایش‌های بنیادگرایانه اسلامی و سلفی هستند. اما تشکیل حکومت آینده سوریه، به‌ویژه با توجه به مسئله اسرائیل و تلاش‌های غرب، ظرفیت این را ندارد که یک حکومت غالب سلفی در آن مستقر شود. هدفی که غرب در سوریه دنبال می‌کند، جلوگیری از استقرار یک حکومت سلفی بنیادگرای اسلامی یا پتانسیل بالای ضد اسرائیلی بودن در مرزهای سوریه است. بنابراین، دولت‌های غربی تلاش خواهند کرد چنین پتانسیلی را به حداقل رسانده و اسرائیل نیز از این وضعیت استقبال کرده است؛ چراکه هدف اصلی اسرائیل از تحولات سوریه، جدا کردن سوریه از محور مقاومت بود و اکنون به نظر می‌رسد به این هدف دنبال اهداف مشابهی هستند؛ بنابراین آنچه که رخ داده، به نظر نمی‌رسد خبر خوبی برای ایران باشد.»

روند آستانه دیگر از حالت اجرایی خارج شده

خواجویی به این موضوع هم اشاره کرد که در شرایط فعلی دیگر روند آستانه هم کار نخواهد کرد و گفت: «در آینده، ایران می‌تواند در راستای روند آستانه عمل کند، اما به نظر می‌رسد روند آستانه دیگر از حالت اجرایی خارج شده است؛ چراکه سوریه وارد یک پروسه جدید خواهد شد. روند آستانه تا حد زیادی به وجود دولت بشار اسد وابسته بود؛ در صورتی که شرایط کنونی، ایران به دلیل فقدان قدرت مانور در این عرصه، توانایی تأثیرگذاری در این مذاکرات را به شدت از دست خواهد داد. احتمالاً مسیر سیاسی جدیدی در سوریه ایجاد خواهد شد که در آن ترکیه، روسیه، آمریکا و احتمالاً برخی کشورهای عربی مانند امارات و قطر نقش‌آفرینی خواهند کرد. نکته‌ای که باید توجه داشت این است که مجموعه اهداف این است که ایران در آنجا نقشی پیدا نکند.»

برقراری ارتباط با گروه‌های مختلف برای حفظ نفوذ ایران

در آینده با سوریه مشتت روبه‌رو خواهیم شد. خواجویی در تحلیل شرایط آینده سوریه گفت: «شواهد نشان می‌دهد که با یک سوریه بسیار مشتت مواجه خواهیم بود؛ به دو دلیل مهم. دلیل اول به تشدد نیروهای داخلی سوریه برمی‌گردد که تنوع بسیاری را در نظر طایفه‌ای دارند؛ برخی کرد هستند، برخی از این نیروها عرب‌سنی هستند، برخی علوی هستند و اختلافات فکری متعددی درباره شیوه اداره حکومت وجود دارد. دلیل دوم به منافع متعارض قدرت‌های بزرگ در سوریه برمی‌گردد. به عنوان مثال، نگاه ترکیه به آینده سوریه در ارتباط با موضوع کردها، به سیاست تضعیف کردها در این منطقه مربوط می‌شود و اجازه نمی‌دهد قدرت آن‌ها افزایش یابد. از سوی دیگر، آمریکایی‌ها ملاحظات متفاوتی دارند. این تعارض در نگاه قدرت‌های بزرگ و نیز در بین بازیگران داخلی سوریه باعث خواهد شد که دوباره از تشدد، اختلاف و احتمالاً بی‌ثباتی در سوریه شکل بگیرد. نیز دولت بشار در سوریه باعث شد که شرایط ایران کشور سیال باشد؛ این سیالیت می‌تواند شرایطی را فراهم کند که ایران متناسب با این شرایط سیال، تصمیمات جدیدی بگیرد، بنابراین ایران باید قدرت مانور خود را افزایش دهد. یکی از کارهای مهمی که می‌توانیم انجام دهیم و چه بسا باید زودتر انجام می‌دادیم، برقراری کانال ارتباطی بین گروه‌های مختلف در سوریه است. چه گروه‌های سنی، علوی‌ها و دورزی‌ها و حتی کردهای سوریه و ایران در این برهه کنونی حتی می‌توانند کانال ارتباطی با کردها به عنوان طرف‌های مخالف ترکیه که در سوریه هستند. ایران باید بتواند از شکاف‌ها و تشتت و فضای سیال‌کونگی استفاده کند، اما در کوتاه‌مدت دست‌کم این اتفاقات به زیان ایران خواهد بود و ما گزینه زیادی روی میز نداریم.»

صحنه سوریه مبهم و ناپایدار است

وضعیت سوریه به این شکل ادامه نخواهد یافت. خواجویی به این موضوع اشاره کرد و گفت: «صحنه سوریه اکنون بسیار مبهم است. فعلاً مخالفان از سقوط بشار اسد شادمان به نظر می‌رسند، اما این وضعیت پایدار نیست. بسیاری از این گروه‌ها گرایش‌های افراطی دارند و اساساً سافیه فعالیت‌های مسلحانه آن‌ها در طول سال‌ها بیشتر بوده است. اپوزیسیون سوریه در حقیقت دموکراتیک نیستند و در دوران حکومت اقتدارگرا زیسته‌اند و همکاری کردن آن‌ها با هم روند پرتنشی است. ایران باید صبر کند و صحنه را ببیند و متناسب با وضعیت جدید، بتواند سیاست خود را هماهنگ کند و در عین حال کانال‌های ارتباطی خود با گروه‌های مختلف سوریه را برقرار کند. تا ارزیابی دقیقی از تفاوت‌ها و اشتراکات آن‌ها داشته باشد، اما فعلاً نمی‌توان بی‌گدار به آب زد و باید محتاطانه شرایط را ببیند و رصد کند.»

مقاومت در کوتاه‌مدت در سوریه تضعیف خواهد شد

خواجویی به این موضوع هم اشاره کرد که مقاومت در سوریه در کوتاه‌مدت تضعیف خواهد شد و گفت: «مقاومت در کوتاه‌مدت به سمت تضعیف خواهد رفت؛ چراکه مسیر کریدوری زیر ضرب اسرائیل خواهد بود و فعلاً احیای آن وجود ندارد، اما مسئله به سیال بودن شرایط برمی‌گردد. گروه‌هایی که امروز حاکم شدند، در مورد اسرائیل نگاه یکسانی ندارند و یکی از موضوعات در آینده نوع مناسبات سوریه با اسرائیل خواهد بود و برخی ممکن است رویکردهایی از جنس عادی‌سازی شرایط داشته باشند، برخی به شدت مخالف اسرائیل هستند. این امر نشان می‌دهد، شرایط پایدار نخواهد بود و دولتی یکپارچه که رویکردهای مشخصی در ارتباط با ای